

داستان غم انگیز زنان در کلام الله

پیش از آغاز سخن یادآوری میکنم که الله خدا نیست، در درونمایه عربی قرآن هم نامی از خدا برده نشده و همه جا الله آمده است ولی مترجم از دید خود نام خدا را جایگزین الله کرده است.

سوره دوم (بقره) آیه زیر ۲۲۲
زنان کشتزار شما را پس برای کشت بدانها نزدیک شوید هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش بفرستید و بدانید که محققاً نزد الله خواهید رفت، ای رسول تو اهل ایمان را بشارت ده....

در این آیه الله پروانه داده است همانگونه ای که کشاورزان میتوانند زمینهای کشاورزی خود را کشت کنند، مردان نیز آزادند که از هر سوی بخواهند به کشتزار زنان وارد شوند. زیرا زنان بگونه زمین ملک متصرفی مالک هستند و نباید از زیر بار خواسته مالک شانه خالی کنند.

همین سوره آیه زیر ۲۲۷ میگوید
... و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان، لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود. الله بر هر چیز توانا و بر همه امور عالم داناست.

در این آیه الله بروشنی مردان را بر زنان برتر دانسته و با پوزه بندی محکم دهانشان را بسته است که لب بر سخن نگشایند.

همین سوره دنباله آیه زیر ۲۸۱
... و دو تن از مردان را گواه آرید و اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هرکه را طرفین راضی شوند گواه گیرند.

در این آیه هم الله مهر ورزانه دو زن را برابر یکمرد بشمار آورده آنهم درباره گواهی که دیدن با چشمهای همه آنها است از دید الله پذیرفته نیست. در حالی که همین زنان در پستوی خانه و در زیر چادری سیاه به تنهایی به نماز می ایستند و میگویند الله و اکبر یعنی گواهی میدهم که الله بزرگتر است. الله گواهی آنان را چون بسود خویش است می پذیرد و در لوح محفوظ ثبت میکند و ثواب هم میدهد؟؟

سوره چهارم (النسا) آیه زیر ۲
اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد کنید پس آنکه از زنان را بنکاح خود درآرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است، دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نپیموده و به آنها ستم کنید. پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید، که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمکاری است.

۱- الهی که این چنین موشکافانه درباره دادگری سخن رانده و مردان را بداشتن چند زن آزاد نموده است، شوربختانه زنان را محکوم بداشتن تنها یک همسر نموده بهیچ روی کوچکترین توجهی به نیاز جنسی آنها نکرده است. درپی خواهیم خواند که چگونه رسول الله اش را آزاد به دست درازی بر همه زنان نموده است.

۲- کنیزی که الله در این آیه از او نام برده زنی است نا آزاد بدست آمده در جنگ یا خریداری شده در بازار آزاد که همبستری با او نیازی به ازدواج ندارد.

همین سوره آیه ۱۰
حکم الله در حق فرزندان شما چنین است که پسران دوبرابر دختران ارث برند. پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند، فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف است.

در این آیه هم الله آب پاکی را روی دست زنان ریخته و با تائید در نیمه فرار دادن با مردان دست و پای شان را نیز به زنجیر کشیده است تا با پوزه بندی که در دهان دارند لب به سخن نگشایند و پا را نیز از دستور الله فراتر نهند.

همین سوره آیه ۲۳ و نکاح زنان محصنه (شوهردار) نیز برای شما حرام شد مگر آن زنان که متصرف و مالک شده اید. بر شماست که پیرو کتاب الله باشید.

اللہی کہ تا نزول این آیه همبستری با زنان همسردار را آزاد کرده بود و گناه نمیدانست. اگر چه با این دستور فرمان پیشین را برداشت و ناروا شمرد ولی به مردان این پروانه را داد تا دگر زانی را که میتوانند بر بایند متصرف و مالک شده همبستر گردند که نیازی به خواسته و میل زنان نیست. زیرا الله زنان را به گونه کالا و بز و گاو و گوسفند و زمین درخور تصرف و مالکیت مردان دانسته است.

همین سوره آیه ۳۳

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است بواسطه آن برتری که الله بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود به زنان نفقه دهند. پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که الله به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و زانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشوند از خوابگاه آنان دوری گزینید **باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید** چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید که همانا الله بزرگوار و عظیم الشان است.

در این آیه دستور روشن و دادگرانه الله برتری بی چون و چرای مردان بر زنان است. تنها به دو فرزند یکی برتری الله فرموده بعضی را بر بعضی دوم برای اینکه مردان به زنان خوراک و پوشاک میدهند. با اینکه زنان چه در خانه چه در مزرعه چه در کارگاه و کارمندی در اداره و دیگر کارهای ارزشمند دوشادوش با مردان کار میکنند و میکوشند، بچه داری هم میکنند، شوربختانه بهره ای ندارند. نه تنها مزد کارشان رایگان از آن مردان است همواره در برابر خوراک و پوشاک ناچیز هم بدهکار مردان هستند؟

الله فرموده زنان شایسته باید همیشه گوش به فرمان مردان و نگهبان حقوق آنها باشند ولی کوچکترین دستوری به مردان درباره نگاهداری حقوق زنان شایسته نداده و دست مردان را در هماغوشی با هر زنی باز گذاشته است.

بیداد گرانه تر آنکه الله به مردان پروانه داده است تا اگر زنی در برابر همسرش بایستد و حقش را بخواهد گستاخی و نافرمانی کرده است باید با زدن تنبیه شود اگر پس از کتک خوردن فرمانبردار گردید دیگر بر او ستم نکنند ولی اگر پس از کتک خوردن هم باز خواستار حق خویش گردید دوباره و چند باره آنقدر کتکش بزنند تا رام گردد. **الله با چنین دستورهای نابخردانه خودش میگوید من دادگر و عظیم الشان هم هستم؟**

همین سوره آیه ۱۲۸

شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چه راغب و حریص به عدل و درستی باشید پس با تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او معلق و بلا تکلیف ماند و اگر سازش کنید و پرهیز کار باشید. همانا الله بخشنده و مهربان است.

درست توجه کنید اللہی که میداند و باور دارد که مردان هرگز نمیتوانند با داشتن چند زن میان آنان به دادگری رفتار کنند، باز هم دست آنها را باز گذاشته است تا چهار همسر و هر چه بخواهند کنیز ملکی متصرفی در بند خود داشته باشند. درباره ستمی که در این رهگذر بر زنان میرود لب فرو بسته و دستور نداده است تا همانگونه که زنان باید تنها یک همسر داشته باشند، مردان نیز نباید جز یک همسر از همسران بی شمار و کنیزان ملکی متصرفی بهره مند گردند.

شگفتا با اینهمه بیدادگری بیشرمانه میگوید همانا الله بخشنده و مهربان است.

سوره پنجم (المائده) آیه زیر ۴

... و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مومنه و زنان پارسای اهل کتاب. در صورتیکه اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم زنا کار نباشند و رفیق و دوست نگیرند...

در این آیه هم باز دست مردان را در هماغوشی با زنان مومنه پارسای اهل کتاب باز گذاشته تا در صورت همخوابگی اجر و مزدشان یعنی (مهر) بدهند آنهم بشرطی که زنا کار نباشند و دوست و رفیقی نگیرند که باز معنی اش اینست مردان هر کاری خواستند بکنند. ماهها و سالها بسراغ همسران خود نروند، زنان عقدی و کنیزان سماق بکنند.

اینست دادگری الله و پروانه نمیدهد هیچ زنی در برابر همه بیدادگریهای همسرش بتواند برای برآوردن نیاز جنسی خود به آغوش مرد دیگری پناه برد و اگر در پی فشارهای روحی و روانی دست به رفع چنین نیازی زد، زنا کار و گناهکار است و باید سنگسار گردد؟

آیا این الله تنها پشتیبان زینه ها نیست؟

پند و اندرز الله بر زنان بی شمار رسول الله تا مبدا پالان کجی کنند.

سوره سی و سوم (احزاب) آیه زیر ۵
پیغمبر اولی و سزاوارتر به مومنان است از خود آنها و زنان پیغمبر مادران مومنین هستند...

همین سوره زیر آیه ۲۹

ای زنان پیغمبر از شما هر که بکار نا روایی دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر الله سهل و آسان است (۳۰) و هر که از شما مطیع فرمان الله و رسول باشد و نیکو کار شود پاداشش دو برابر عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو مهیا سازیم (۳۱) ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر از زنان نیستید و الله ترس و پرهیز کار باشید. پس زنا نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است بطمع افتد و درست سخن گویند (۳۲) و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوران جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید و نماز بپادارید و زکات به فقیران بدهید و از امر رسول اطاعت کنید الله چنین می خواهد رجس هر آرایش را از شما و خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزله گرداند:

چون الله دریافته است که رسولش با بیست و چهار زن و کنیزان و غلامان بیشمار ملکی متصرفی از نه تاسی و پنجساله هرگز نمیتواند راه دادگری در همخوابگی در پیش گیرد، بجای سرزنش بر خود که چرا دست او را اینهمه باز گذاشته است، ناگزیر از تشویق و تهدید همسران رسولش بر آمده است تا مبادا بدور از چشم رسول پیر پذیرای مردان جوان هم سن و سال خود گردند.

داستان دادگری محمد بر زینب زیبا تنها همسر پسر خوانده اش زید

همین سوره آیه زیر (۳۵)

هیچ مرد وزن مومن را در کاری که الله و رسول حکم کند اراده و اختیاری نیست (که رای خلافی اظهار نماید) و هر کس نافرمانی الله و رسول کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است.

پیغمبر زینب، دختر عمه اش را به زید غلام آزاد کرده ازدواج کند. زینب گفت من از اشراف قریشم غلامی را به شوهری نپذیرم این آیه نازل شد: - (۳۶) و چون تو با آنکس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تواس نعمت آزادی (یعنی به زید حارثه به نصیحت گفتی برو زنی را که همسر تست نگهدار و از الله بترس و طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان میداشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در دوره جاهلیت بود منسوخ کنی) الله آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از الله سزاوارتر بود بترسی. پس ما هم (بدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد او را به نکاح تو در آوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح زنان پسر خوانده خود از آنها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نیندارند) و فرمان الله به انجام رسید (۳۷) پیغمبر را در حکمی که الله (بر او مقرر) فرموده گناهی نیست: سنت الهی در میان آنان که درگذشتند هم اینست (که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است) و فرمان الله حکمی نافذ و حتمی خواهد بود (۳۸) این سنت الله است در حق آنانکه تبلیغ رسالت الله بر خلق کنند و از الله میترسند و از هیچکس جز الله نمیترسند و الله برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت میکند (۳۹)

محمد پدر هیچیک از مردان شما (زید یا عمر) نیست (پس زن زید زن فرزندش نبود و پس از طلاق او تواند گرفت) لیکن او رسول الله و خاتم انبیاست و الله همیشه (حکمش وفق حکمت و مصلحت است زیر او) بر همه امور عالم آگاه است.

درست توجه کنید که الله خودش میگوید من به زید نعمت اسلام بخشیدم و تواس (یعنی محمد) نعمت آزادی که بهترین و بزرگترین بن مایه است بر دشمنی الله با آزادی. این الله مسلمان آزادی کش که همه زن ها را بر رسول خود بخشیده است تا بر چنین کند و همخوابه گردد، چشم دیدن این راهم نداشت که برده بی نوایی هم یک همسر داشته باشد و این چنین محیلانه تنها زن زید پسر خوانده محمد راهم بدرون رختخواب رسولش کشانید و خودش هم عقد بست و دست او را هم مانند انبیاء پیشین در تجاوز بر محارم باز گذاشت و گفت محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست و میتواند به همه همسران شما تجاوز کند ولی همسران محمد مادر مومنین هستند تا کسی پس از مرگش هم نتواند با زنان زیبایی او ازدواج کند؟

چنین است دادگری الله بیدادگر و دشمنی آشکار او با آزادی بویژه زنان.

همین سوره زیر آیه ۴۹

(ای پیغمبر گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که به غنیمت الله تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله، آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زنان مومنه ای که خود را بر رسول بی شرط مهر ببخشند و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم (هیه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تست دون مومنان، که حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی متصرفی مومنان را (بیشتر با شرایط و عد دو حقوق آنها بر شوهر همه را) به علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم (و تو را مانند مومنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم) بدین سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و الله را بر بندگان مغفرت بسیار است؟

با این دستورهای بسیار روشن، الله مهر و رزانه همه بندهای ریز و درشت کارهای پایین تنه رسولش را از پیش پای او برداشته تا هر زمان به هر زنی که دل بستهماغوش گردد. آیا برآستی این همان خدایی است که در اندیشه ما لانه کرده است یا حرمسرادار محمد و بنده ویژه و نگهبان کارهای پایین تنه رسول و همسران بیشمارش؟

همین سوره آیه (۵۰)

ای رسول هریک از زنان را خواهی نوبتش را موخر دار و هر که را خواهی بخود بپذیر و آن را که به قهر از خود راندی اگرش به (مهر) خواندی باز بر تو باکی نیست (این آزادی و مختار مطلق بودند بر زنان) بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همه خشنود باشند. الله هرچه در دل ما مردم است آگاه است و الله بر (نیک و بد خلق) دانا و (بر عفو و انتقامشان) بردبار است.

آیا پس از خواندن این اعترافات الله، جای کوچکترین دودلی در حرمسراداری او برای محمد برجای میماند و هیچ حرمسراداری بهتر از این میتواند برای اربابش خوش رقصی کند که الله برای رسولش کرده است؟

دوری با خوانندگان بویژه زنان و پس مانده سفره انداز است.

همین سوره آیه زیر (۵۱)

ای رسول بعد از این زنان دیگر نه عقد هیچ زنی بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان بدیگر زن هرچند از حسنش به شگفت آبی و بسیار در نظرت زیبا آید. مگر کنیزی مالک شوی... الله بر هر چیز مراقب و نگهبان است.

آیا با آنهمه بخشندگی الله، زن دیگری باقی مانده است که رسول بر آن دسترسی نداشته باشد؟

با آزادی در همبستری با محارم و افزودن مگر کنیزی را مالک و متصرف شوی، رسول به سادگی میتواند اگر زنی در محدوده خط سرخ الله برجای مانده باشد بنام کنیز ملکی متصرفی به چنگ آورد.

همین سوره دنباله آیه زیر ۵۲

... هر گاه از زنان رسول متاعی طلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دلهای شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول الله را در حیات بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زانیشان را به نکاح خود در آورید که این کار نزد الله گناهی بسیار بزرگ است:

دگر باره الله حرمسرادار محمد به پشتیبانی از رسولش برخاست و دستور داد که در زمان زنده بودن و پس از مرگ محمد هم با زنان و کنیزان بیشمار حرمسرایش نباید ازدواج کنند تا آنها که در زمان زنده بودن محمد از زندگی خود بهره نبرده بودند باقیمانده زندگی خود را نیز در رنج روحی بسر برند زیرا الله حرمسرادار محمد دادگر و مهربان و از همه جا و همه چیز آگاه است.

آیا میتوان باز هم دودل بود که این الله حرمسرادار ویژه محمد نیست؟

سوره التحريم: پیمان شکنی محمد در نوبت همخوابگی با حفصه دختر عمر. سوگند و سوگند شکنی

ای پیغمبر گرامی برای چه آن را که الله بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنان را خشنود سازی در صورتیکه الله امرزنده و مهربان است (بر هیچکس خصوص بر تو رسول گرامیش سخت نخواهد گرفت. در تفسیر وارد است که روزی حفصه با اجازه رسول به خانه پدرش عمر رفت. پیغمبر با ماریه در حجره حفصه خلوت کرد. ناگه سر رسید و غوغا انگیخت که تو در نوبت من با کنیزی خلوت کردی و ابروی مرا نزد زنان بردی. حضرت برای خشنودی او فرمود. من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سر نزد تو است با هیچکس مگوی. او بفور عایشه راهم آگه ساخت. او هم با رسول راجع به ماریه گفتگو کرد. حضرت بر عایشه نیز سوگند یاد کرد که ماریه را ترک گوید. آن دوزن شاد شدند و این آیه نازل گردید.

(۱) الله حکم کرد بر شما که سوگندهای خود را (به کفاره) بگشایید او مولای شما بندگان و (حکمش نافذ) است و هم او بهر چیز عالم دانا و به حکمت امور خلق آگاه است (۲) وقتی پیغمبر با بعضی از زنان خود (یعنی با حفصه سخن راجع به ماریه یا ریاست ابوبکر و عمر) بر از گفت (و به او سپرد) آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگه ساخت الله به رسولش خیر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد (برویش آورد) و برخی را از کرم پرده داری نمود و اظهار نکرد. آن زن گفت رسول تو را که واقف ساخت (که من سر تو بر کسی فاش کرده ام) رسول گفت مرا الله دانای آگاه از همه اسرار عالم خیر داد (۳) اینک اگر هر دو زن به درگاه الله توبه کنید رواست که البته دلهای شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز (هرگز بر او غلبه نکنید که) الله یار و نگهبان اوست و جبرئیل امین و مردان صالح باایمان (یعنی علی) بروایت عامه و خاصه فرشتگان حق

یار و مددکار او یبند (۴) و امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد. البته زنانی بهتر از شما بجایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و اطاعت اهل توبه و عبادت رهسپار (طریق معرفت) باشند چه بکر و چه غیر بکر؟؟

آیا هیچ خبر چین یا دربان گوش به فرمان و یا خواجه حرمسرای بیبش از این میتواند به ارباب خود یاری دهد که الله درباه محمد و همسران دربندش انجام داده است؟

با این خوش رقصی های الله چگونه باید باور داشت که او بنده محمد و پیشکار ویژه او نیست؟

درخور توجه زنان ابله و افسانده سفره اندازی که چشم امید به یادر میانی ابوالفضل العباس خواهرزاده شمر بسته اند تا نزد چنین الهی از آنان پشتیبانی کند. در حالی که دستهایش را بریدند خم بر ابرو نیارود و با زنان رسولش چنین رفتار ددمنشانه ای دارد. چه چشم داشتی نابخردانه و سبکسرانه؟

و حال از همه دانشمندان و بینشمدان و سرایندگان و دستاربندان دغلكار دینی میپرسم خواندن کدام یک از آیه های آمده در این دفتر و دیگر داستانهای پوچ تازیان که بنام کتاب آسمانی بخورد مردم ایران داده شده است میتواند آمرزنده روان مردگان باشد؟

و یا سوگند بدانها که ۱۴۰۰ سال است مردم با فرهنگ ایران را زیر نام قرآن یا کلام الله آسمانی به بیراهه ترین بیراهه ها کشانیده است خردمندانه میباشد؟

این روش بسیار نابخردانه و ناآگاهانه منش و والایی را از زنان و مردان ایرانی ربوده و فرهنگ والایش را بنابودی کشانیده و در دام خرافات تازیان سرگردان کرده است که نه تنها چنین ننگ نامه ای را برای آمرزش روان مردگان خود میخوانند و بدان سوگند یاد میکنند که این بن مایه دشمنی با زنان را در شمار مهر آنان درمی آورند و هنگام رفتن برگشت و گذار از زیر آن میگذرند بر این باور که تندرست بازگردند.

بدتر از همه در شهر شیر از دروازه قرآن گذاشته اند تا همگان از زیر آن بگذرند و تندرست به خانه و کاشانه خود برسند که هزاران تن از زیر او گذشتگان در پی بر خوردهایی سخت جان خود و خانواده خویش را از دست داده اند و میدهند ولی این باور بدور از خرد را از مغز خود بیرون نمیکنند.

آیا باور بر چنین خرافاتی شرم آور و ننگ زا نیست؟ با امید بر بیداری و هشیاری و بهره گیری از خرد و بازگشت به فرهنگ والای لگدکوب شده ایرانی و راندن آگاهانه اسلام ناب محمدی با همه فرآورده هایش به خانه پدری او عربستان.

پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ و زرد و بنفش

آله دالال فک

کیوان شید ۱۱ بهمن ماه / ۲۷۱۱

۳۱ ژانویه ۲۰۰۴